



میزگرد با حضور ابراهیم متقی (استاد روابط بین الملل دانشگاه تهران) و حسین سلیمی (استاد روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی) درباره تحولات نظام جهانی و فرصت ایران

# نظم بین الملل امریکایی، چینی، روسی یا جهانی؟

**حسین سلیمی:**  
وقتی درون ساختار  
معنایی شبکه‌های  
کنش جهانی قرار  
ندارید یا کنار گذاشته  
شده‌اید، حتی  
چینی‌ها و روس‌هایی  
که می‌خواهید با  
گرایش به آن‌ها یک  
جایگاه جدید در نظام  
جهانی پیدا کنید،  
امکان کنش با شما  
را ندارند و به جز در  
موارد خاص، حفظ  
موقعیت خود در نظام  
جهانی را به ارتباط با  
ما ترجیح می‌دهند

این دو زمینه اختلاف نظری نیست. حالا اینکه ماهیت آنارشی چیست و چه برداشتی می‌توان کرد و قواعد اصلی این سیستم چیست، آن نقطه اصلی و کلیدی است که برای سیاست‌گذار شناخت آن لازم است و اگر ما این را ندانیم سیاستمان به انحراف می‌رود. مشکل اینجاست که برخی آنارشی را یک وضعیت مادی گریزناپذیر می‌دانند نه یک ساختار ذهنی. این مشکل فهم ماتریالیستی از روابط بین الملل و آنارشی است که تصور می‌کند آنارشی یک امر مادی است مثل روابطی که در فیزیک بین اشیاء وجود دارد، درحالی که آنارشی به دلیل نوع فهم و ادراک کنشگران بین‌المللی به وجود می‌آید؛ چون آن‌ها جهان را آنارشیکی می‌فهمند، جهان آنارشیکی می‌شود، اما اگر وضعیت تاریخی موجب تحول نگرش بازیگران بین‌المللی شود، نظام بین‌الملل نیز تغییر می‌کند.

● اما ظاهراً درباره مفهوم قدرت در روابط بین الملل اختلاف آشکاری هست تا جایی که هر یک از شما در یک مشرب متفاوت در روابط بین الملل قرار می‌گیرید.

فائده‌ای وجود ندارد، اما هرج و مرج هم نیست. آنارشی، یکی از ساختارهای سیستم بین‌المللی است، مثل موازنه قوا که یکی دیگر از ساختارهای این سیستم است. یعنی دنیای روابط بین الملل آنارشیکی است، ولی به هم ریخته و هرج و مرج نیست. کسی که سیاست جهانی را یک سیستم می‌بیند، می‌داند که دنیای سیاست، دنیای روابط دویبه‌دو نیست، بلکه یک کلیت به هم پیوسته است. بعضی از سیاستمداران - در همه جای دنیا - دقیقاً چون از تحولات جهانی ادراک سیستمی ندارند، گمان می‌کنند سیاست، معرکه‌ی یکی به‌دو کردن میان چند کشور است! این در حالی است که ما در درون یک «سیستم» زندگی می‌کنیم، با همه قواعدی که یک سیستم دارد. هر سیستم قواعد تنظیم‌کننده، قواعد تعدیل‌کننده و قواعد پایایی دارد. درون داد و برون داد دارد. اصلاً اینکه رشته‌ای به نام روابط بین الملل وجود دارد به دلیل وجود همین سیستم بین‌المللی معنا پیدا کرده است؛ بنابراین تا جایی که از دکتور متقی شناخت دارم، فکر می‌کنم در

حاکم بر روابط بین الملل، وضع آنارشیکی است و هایدارشیکی و سلسله‌مراتبی نیست، اما زاویه دید و پاسخ من به این پرسش که آنارشی چیست، تا حدی با دیدگاه دکتر متقی متفاوت است، ولی در اینکه روابط جهانی، منطق آنارشیکی دارد و نمی‌تواند هم جز این باشد، تفاوت نظری نداریم. دیگر اینکه روابط بین الملل یک منطق سیستماتیک دارد. اهالی دانش روابط بین الملل - البته کنشگران معمولاً این‌گونه نیستند - مجموعه سیاست جهانی را به منزله یک «سیستم» می‌فهمند نه روابط و کنش دویبه‌دوی کشورها.

● ظاهراً بین آنارشیکی بودن و سیستماتیک بودن سیاست جهانی تعارضی در کار است!

**حسین سلیمی:** نه، به هیچ وجه. سیستماتیک بودن یعنی در روابط بین دولت‌ها اقتدار مرکزی وجود ندارد، اما نظمی برقرار است و در عرصه عمومی ساختارهایی کار میکند. در عرصه بین‌المللی وضعیت درهم‌ریختگی و هرج و مرج هم حاکم نیست. در واقع قدرت

● گفت‌وگوی ما درباره روندهای تحولی جاری در نظام بین الملل است. می‌خواهیم ببینیم که اولاً جهت این تحولات به کدام سو است و ثانیاً جایگاه ایران در این نظم در حال ظهور را چگونه ارزیابی می‌کنید؛ به عبارت روشن‌تر، به نظر شما چه فرصت‌ها و تهدیدهایی در جهان آینده برای ایران وجود دارد؟ وقتی از روندهای تحولی صحبت می‌کنیم به طور مشخص مجموعه رخدادهایی را در نظر داریم که از بحران مالی ۲۰۰۸ آغاز شد، با بحران جهانی کرونا به نقطه بی‌سابقه‌ای رسید و هم‌اکنون در چند جهت متعارض - از جنگ اوکراین تا مناقشه تایوان و ابتکار راه ابریشم نوین و در مقابل، ابتکار «گروه ۷» برای سرمایه‌گذاری ۶۰۰ میلیارد دلاری در کشورهای آسیب‌پذیر - در جریان است. به نظرم مناسب است که در ابتدا مروری به نظرات شما درباره مفهوم قدرت در روابط بین الملل داشته باشیم.

**حسین سلیمی:** ما دست‌کم روی چند موضوع با دکتر متقی، تفاوت دیدگاه نداریم. یکی در اینکه وضع

برای کسانی که به ادبیات روابط بین الملل و همچنین مسائل جهانی آشنایی دارند مناظره دو دیدگاه جریان اصلی همواره از جذاب‌ترین موضوعات بوده است. اتفاقی که تا حدودی می‌تواند بازناب آن را در میزگردی دید که با حضور دو استاد برجسته حوزه روابط بین الملل، ابراهیم متقی و حسین سلیمی برگزار شده است. در این مناظره تلاش شده تا دو دیدگاه، نظرات خود در خصوص تحولات جهانی و به خصوص زیربنای این تحولات به بررسی بگذارند. در ادامه این مباحث رویکرد نگاه به شرق و الزامات آن نیز به بحث گذاشته شد. اینکه روابط ایران و کشورهای شرقی ناشی از یک اجبار ناشی از شرایط بین‌المللی است یا به لحاظ ژئوپولیتیک و تاریخی منافع کشورمان را تأمین می‌کند در همین چارچوب مورد توجه بود.

همچنین چگونگی روابط این کشورها در شرایط تحریم و جنگ اوکراین از دیگر موضوعات مورد بررسی در این میزگرد بوده است. دو طرف ایده‌های خود در خصوص کنش‌های ایران در دوران گذار نظم جهانی و استفاده از ظرفیت انرژی و ظرفیت‌های ترانزیتی را مطرح کردند. موضوعی که یک طرف در خصوص آن به زنجیره ارزش جهانی و لزوم پیوستن به آن اشاره داشت و طرف دیگر در خصوص آن از عقلانیت معطوف به قدرت و منافع برای رابطه با کشورها سخن می‌گفت.